



عبدالرزاق اف تقریباً یک بازیگر ویژه و خاص بود و رنگ و لعاب خوبی به پروژه داد. یادم هست آن زمان به مامی گفت من بروم دیگر ما را فراموش خواهید کرد. البته که فراموش نشد؛ اما متأسفانه نشد چنین همکاری‌هایی ادامه داشته باشد و این سریال هم در کشور تاجیکستان پخش نشد. در صورتی که در دوره‌ای می‌شد مردم این کشور هم سریال را ببینند و عبدالرزاق اف هم خیلی دوست داشت این سریال در کشورش دیده شود

گفت و گو با حسین طاهری، کارگردان سریال سلمان و مجری طرح «در چشم باد»

حبیب، رفیق همه ما بود

آزاده باقری
روزنامه‌نگار

سریال «در چشم باد» یکی از پربازدیدترین سریال‌های دهه ۸۰ بود که هنوز هم با وجود گذشت یک دهه از آن مورد استقبال قرار گرفته و بیننده را مجاب کرده مجدد آن را تماشا کند. برای همین هم هنوز نام این سریال و بازیگرانی که به خوبی نقش آفرینی کرده‌اند در خاطرها باقی مانده است. بازیگران ایرانی و تاجیکی که با بازی روان و خوب‌شان موجب شدند بیننده آنها را باور کند و همراه‌شان شود. چندی پیش خبر درگذشت حبیب... عبدالرزاق اف، بازیگر تاجیکی که در این سریال نقش «حسام آقا» را بازی می‌کرد، منتشر شد. بازیگر سرشناس تاجیک که تا قبل از فوتش نقش‌های بسیاری بازی کرد و در دوران شوروی سابق در بیش از ۱۰۰ فیلم نیز به بازیگری پرداخت. به بهانه پخش مجدد این سریال و درگذشت این بازیگر خوش آوازه تاجیکی با حسین طاهری، مجری طرح و ناظر پروژه گفت و گو کردیم. کسی که بیشتر عمر کاری خود را در تلویزیون گذرانده است و در حال حاضر نیز تهیه‌کنندگی سریال در حال ساخت «سلمان فارسی» را برعهده دارد.

آقای طاهری! آغاز پروژه سریال در چشم باد از سال ۱۳۸۲ آغاز شد و به مدت پنج سال هم طول کشید. مراحل اولیه ساخت آن چگونه طی شد؟

من ابتدای سال ۸۴ به پروژه ملحق شدم و فاز نخست این مجموعه به تهیه‌کنندگی آقای رضا انصاریان و کارگردانی مسعود جعفری جوزانی بود. به دلیل اختلاف‌هایی که بین دوستان داخلی پروژه ایجاد شد، سازمان تصمیم گرفت تهیه‌کنندگی این مجموعه از آقای انصاریان به مرحوم حبیب... کاسه‌ساز محول شود. از اواخر سال ۸۳ آقای کاسه‌ساز به عنوان تهیه‌کننده سریال در چشم باد همکاری‌شان را با این پروژه آغاز کرد و من هم ابتدای سال ۸۴ و آغاز فاز جدید به سریال در چشم باد پیوستم. با این حال در جریان نسبی آغاز کار بودم و شروع در لوکیشنی بود که به «خانه سمندون» شناخته می‌شد؛ خانه‌ای در پامنار. آن زمان به دلیل همان اختلافاتی که به آنها اشاره کردم باعث شده بود بازیگران تاجیک‌مان به تاجیکستان برگردند تا مجدد از آنها دعوت به ادامه کار شود. سال ۸۴ که فاز جدید آغاز شد از مرحوم حبیب... عبدالرزاق اف و لطافت یوسفی، بازیگران تاجیکی مجدد دعوت شد تا به ادامه کار بپردازند. در همان زمان نیز به دنبال بازیگر تاجیک دیگری بودیم که بازیگر مقابل آقای

پارسا پیروزفر باشد. برای همین هم همراه آقای جوزانی، امیر کریمی و فیلمبردار به تاجیکستان سفر کردیم تا بازیگر مورد نظر را نیز انتخاب کنیم. ستاره صفرخواه به این شکل به مجموعه در چشم باد اضافه شد. آن زمان خانم صفرخواه، مجری خبری تلویزیون تاجیکستان بود و قرارداد را بستیم و به ایران آمدیم.

سختی‌های ساخت سریال در آن دوران چه بود؟
مثل همیشه یکی از بخش‌های دشوار سریال سازی بحث نقدپنکی است. سختی دیگری که در این سریال داشتیم بخش پیش تولید و ساخت و سازهایی بود که قبل از فیلمبرداری باید آماده می‌شد. تنوع لوکیشن‌ها و پربازگرا بودن این سریال سختی‌های کار را چند برابر کرده بود. فرصت کافی نیز برای پیش تولید نبود و همین موضوع فشار کار را برای عوامل سریال دشوارتر می‌کرد.

قاعدتاً حواشی و اختلاف نظرهایی که در فاز نخست سریال شروع شد هم به این سختی و کندی دامن زده بود؟

درست است. در فاز نخست که اختلافاتی پیش آمد باعث شد سازمان به یک جمع‌بندی برسد و تصمیم بگیرد تهیه‌کننده سریال تغییر کند. تغییر تهیه‌کننده و انجام جابه‌جایی‌ها باعث شد ریتم ابتدا کند باشد

تا این که به روال بیفتد. اما در هر صورت مشکلاتی که به آنها اشاره کردم با این تغییرات نیز همچنان وجود داشت. چون ساخت چنین سریالی نیاز به پیش تولید قوی‌ای داشت که زمان کم باعث شد پیش تولید آن طور که باید برای فیلمبرداری حاضر و آماده نباشد که قاعدتاً در روند فیلمبرداری اثرگذار بود.

واکنش‌هایی را که بعد از پخش سریال برای اولین بار از شبکه یک سیما آمد به خاطر دارید؟

از آنجا که سریال در چشم باد ارزشمندی بود از همان پخش قسمت‌های اول با استقبال از سوی مخاطبان مواجه شد. این سریال دارای چند شاخصه مهم از نگاه فرهنگی بود و توجه ویژه آقای جوزانی به خرده فرهنگ‌ها در این سریال بسیار محسوس و حائز اهمیت است. او توانست به خوبی در این سریال مجموعه‌ای از خرده فرهنگ‌هایی را که در دهه‌های مختلف به وجود آمده به نمایش بگذارد. در کنار این موضوع نگاه کلان ایشان به موضوع دفاع مقدس و جنگ تحمیلی نیز بسیار به خوبی به نمایش درآمد. بحث موضوع انقلاب اسلامی نیز که جزو دغدغه‌ها و باورهای آقای جوزانی بود و از همه مهم‌تر نگاه ملی و توجه به ایران و ایران دوستی نیز در این سریال به خوبی در هم تنیده بود و بازتاب خوبی را نیز به همراه داشت. به طوری که بعد از گذشت ۱۱ سال و پخش مجدد همچنان هم مخاطب‌ها آن را دوست داشته و به تماشایش می‌نشینند.

همان‌طور که شما اشاره کردید استقبال از این سریال با وجود گذشت بیش از ۱۰ سال نشان از خوش ساخت بودن آن دارد. به نظر شما علت ضعف در ساخت سریال سازی چیست؟

تلویزیون دانشگاهی است برای سینمای ایران و آموزشی برای نسل آینده است. خوشبختانه افراد بزرگی مانند آقای جعفری جوزانی و میرباقری هستند که صاحب‌نظر و مولفند. لازم است تا کسانی مانند این بزرگان دائم در حال کار کردن باشند اما می‌بینیم که در واقعیت این‌طور نیست و کسی مانند جعفری جوزانی نزدیک به ۱۰ سال است کاری انجام نداده و طرح‌ها و پیشنهادهایش سرانجامی نداشته است. در صورتی که چنین بزرگانی همیشه باید کار و فرصتی داشته باشند تا ایده‌های خود را پیاده کنند. جامعه امروز ما از لحاظ فرهنگی به این افراد نیاز دارد.



نحوه تعامل تلویزیون با کارگردانان و نویسندگان شاخص باید چگونه باشد؟

با وجود آن که من همیشه گفته‌ام تلویزیون خانه من است اما می‌بینم که گاهی از موضوعات مهمی غافل می‌شود. سرمایه‌ما در تلویزیون تنها ساختمان و امکانات نیست بلکه سرمایه‌ما سازندگان و هنرمندانی‌اند که به عنوان مولف شناخته می‌شوند و از چنین سرمایه‌هایی باید نهایت استفاده را کرد چون همه هنرها روی سر انگشت چنین مولف‌هایی می‌چرخد بنابراین تلویزیون باید به یاد داشته باشد از این مولف‌ها همیشه کار خوب بخواهد. کاری که با اهداف سازمان و با اهداف کلان کشور و اهداف آینده کشور گره خورده. باید از این کسانی که استاد ساختن هستند استفاده شود.

حبیب... عبدالرزاق اف جزو بازیگران شناخته شده تاجیک بود که توانست بازی خوبی هم از خود در این

